



## لگاتو؛ نامی برای کوک کردن سازهای شکسته‌ی لبخند



پاییز ۹۶

۱۲



«از زمانی که خودم را شناختم، همیشه در درونم علاقه‌ی زیادی به همراهی با انسان‌های ویژه احساس می‌کردم. از آن حس‌هایی که نمی‌شود خیلی در موردشان توضیح داد. بر همین اساس در رشته‌ی روان‌شناسی کودکان استثنایی در دانشگاه شروع به تحصیل کردم و در همان سال‌های فارغ‌التحصیلی بود که بهزیستی موسسه‌ها را به بخش خصوصی واگذار می‌کرد. با اشتیاقی که در درونم وجود داشت با همراهی همسر (فرهاد قاسمی) مرکز بهکوش را در گرگان تاسیس کردیم که در آن زمان کارش را با دوازده پسر و بدون هیچ‌الگویی در ایران شروع کرد و الان هشتاد پسر بالای پانزده سال دارد که بصورت روزانه انواع رشته‌های صنایع دستی را در کارگاه‌های مختلف به آنها آموزش می‌دهد. علاوه بر این موسیقی و سرود، تئاتر و هنرهای دیگری هم به پسرها آموزش داده می‌شود. این شروع کار من با این بچه‌ها بود.»

### ایده‌ی ارکستر ملی ویژه ایران (لگاتو) چگونه شکل گرفت؟

«به دلیل علاقه شخصی من به موسیقی از دوران کودکی و آشنایی با سازهای آکاردئون و پیانو، علاوه بر روانشناسی، دوره پودمانی دانشگاه موسیقی و کنسرواتوار موسیقی را در رشته پیانو گذراندم و بعد از آن از ۱۳ سال پیش تصمیم گرفتم با تلفیق روانشناسی و موسیقی فعالیت‌های موسیقی درمانی را برای مددجویان به کار بگیرم. ابتدا هدفم فقط درمان بود و تمام فعالیت‌ها در همین راستا انجام می‌شد اما به تدریج متوجه استعداد موسیقی بعضی از مددجویان شده و سعی کردم برنامه ریزی منظمی برای آموزش این عزیزان انجام بدم.

به همین منظور مدتی موسیقی‌های خوب کلاسیک برای آنها پخش کردم تا قدرت شنیداری موسیقی‌شان تقویت شده و بعد از آن آموزش سازهای عرف را شروع کردم. در این مسیر به تدریج روش‌های جدید برای آموزش نت‌خوانی به آنها کشف شد و بعد از گذر این سالها و تمرینات مستمر، حالا بچه‌ها با نواختن خیلی از سازها از جمله؛ پیانو، کاجن، انواع فلوت، گیتار آگوستیک، گیتار بیس، ملودیکا، ارگ، انواع بلز و... آشنا شده‌اند.

دوست‌داران همدم، لابد شنیده‌اند که اولین گروه‌هایی ارکستر ملی ویژه (لگاتو) با حضور فرزندان هنرمند همدم در گرگان برگزار شد و البته خبردارند که؛ در این رویداد، گروه سرود فرزندان همدم به اجرای برنامه پرداخت و با استقبال و تحسین زیاد حاضرین هم روبرو گردید. بانی و برنامه‌ریز اصلی این گروه‌هایی، بانویی نیکوکار است که این گزارش و گفت‌وگو، می‌خواهد شما را با او بیشتر آشنا کند:

از میان درختان سرسبز جنگل‌های شمال، نوای خوش پرنده‌ها به گوش می‌رسد. اما خوب که دقت می‌کنی می‌فهمی این صداهای دلنشین آمیخته با رعاش ساز و آواز هنرمندان ویژه‌ایست که آهسته و پیوسته نت‌ها و کلمات را بر تن سازها و در حجره‌های معصوم می‌نوازند. مدتیست به همت بانویی هنرمند اتفاقی مبارک در جهان فرزندان کم‌توان ذهنی رخ داده و «ارکستر ملی ویژه ایران» با عنوان «لگاتو» شکل گرفته و تمرینات خودش را آغاز کرده است. مریم گیلاسیان، کارشناس ارشد روان‌شناسی و موسس و مدیر مرکز جامع توانبخشی و حرفه‌آموزی بهکوش گرگان است و در حال حاضر بیشتر وقت خود را صرف انسجام و شکل‌گیری ارکستر ملی ویژه ایران می‌کند تا در سایه‌ی هنر، بخشی دیگر از توانمندی‌های افراد معلول را با همراهی مربیان و همراهانش به نمایش بگذارد. او نگاهی فراموسسه‌ای دارد و همه‌ی سعی خودش را می‌کند تا کم‌توانان ذهنی واجد شرایط از سراسر ایران، در این گروه هنری عضو بشوند. با او همراه می‌شویم تا در این باره بیشتر بدانیم؟

### چگونه به دنیای افراد کم‌توان ذهنی وارد

شدید؟





گیلان و شیراز ما را همراهی می کنند. گروه کُر دختران همدم هم هستند که با صداهای زیبایشان ما را همراهی می کنند. من برای شناسایی بچه های با استعداد معمولا سفر می روم و سعی می کنم در خانواده ها و مراکز هنرمندان و با استعدادها را پیدا کنم. از هر جای ایران که کسی معرفی شود ما استقبال می کنیم.»

### ♥ چطور با موسسه ی همدم و دختران هنرمندش آشنا شدید؟

«سه چهار سال پیش که با بچه های موسسه بهکوش به مشهد آمده بودیم، به دعوت خانم آراسته از موسسه همدم بازدید کردیم. در کنار بازدید از کارگاه ها و بخش های مختلف موسسه، گروه موسیقی همدم بسیار قابل تحسین بودند و همان اول رقابتی بین پسران ما و دختران گروه موسیقی همدم شکل گرفت و باهم هم نوازی کردند و آواز خواندند که این تجربه و خاطره ی بسیار زیبایی را رقم زد. از همان زمان اجرای مشترک بچه ها با دختران همدم در ذهنم بود و باخودم فکر می کردم که این همه دختر هنرمند اینجا بودند و من خبر نداشتم، بنابراین ممکنه در موسسات یا خانواده ی دیگر افرادی از طیف کم توانان

بعد از تک نوازی نوبت به گروه نوازی رسید که آن هم آموزش ها و سختی های خودش را داشت. مدت زیادی طول کشید تا بچه ها دونوازی و بعد کار گروهی را یاد بگیرند.

پس از گذشت چند سال و به ثمر رسیدن و دیدن اجراهای موفق گروه موسیقی پسران بهکوش، باخودم فکر کردم سرزمین ما یک ارکستر ملی دارد چرا از نوع ویژه اش رانداشته باشد؟ با همین فکر در چند ماه طرحش را نوشتم و ابتدا با کارشناس هنری بهزیستی کشور؛ خانم دکتر فخری در میان گذاشتم. ایشان خیلی استقبال و برای حمایت اعلام آمادگی کردند. سپس گروه موسیقی «لگاتو» در اداره ی ارشاد گرگان ثبت شد و مدتی ست که تمرینات خود را شروع کرده است.»

### ♥ لگاتو به چه مناسبت و چه هنرمندانی، از کجای ایران در آن مشغول به فعالیت هستند؟

«لگاتو یک اصطلاح موسیقی و به معنی متصل و پیوسته نواختن است. از آنجا که اعضای این گروه از شهرهای مختلف ایران گرد هم جمع میشن، این اسم به نوعی اتصال و پیوستن اعضای گروه رو به هم تداعی می کنه. در این گروه فقط افراد معلول کم توان ذهنی و سندروم داون می توانند عضو شوند و به عزیزان جسمی حرکتی و دیگر معلولیت ها ان شالله در گروه های دیگری پرداخته خواهد شد. در حال حاضر علاوه بر پسران موسسه بهکوش، چند نفر خواننده از نور و بابل و کردستان داریم و گروهی از نوازندگان از تهران،





### ❤️ از خاطراتی که با بچه ها دارید بگویید؟

«خانم گیلایان کمی فکر می کنید و بعد با لبخند می گوید:»  
چند سال پیش گروه موسیقی بهکوش دعوت شد به تهران برای اجرای موسیقی در مراسم رونمایی عملکرد یونیسف. بعد از اتمام برنامه رییس یونیسف در ایران که یک آقای محترم سیاه پوست بود در حالی که به شدت تحت تاثیر قرار گرفته بود به پشت سن آمد تا از پسرهای ما تشکر کنند. ایشان با خوشحالی با بچه ها دست میداد و با شوق و هیجان میگفت: «Tank you... Tank you»، یکی از پسرهای بهکوش که قبلا چند تا از لغات انگلیسی را یاد گرفته بود برای ابراز احساسش رفت جلو و در حالیکه دست میداد، چند تا لغت رو با هم ترکیب کرد و گفت: «Tank you... you are a black board = ممنون از شما، شما یک تخته سیاه هستید.»، ما بهت زده بودیم و نمی دونستیم چطور باید ماجرا رو جمع کنیم ولی نماینده سازمان ملل در حالیکه به شدت و با صدای بلند می خندید جواب داد:

«yes. you`re right!... you`re right... I`m a black board»  
درست میگی!... درسته! من یه تخته سیاه هستم...». دوستان سازمان ملل تعریف می کنند که این آقا تا مدت ها از این خاطره به خوشی یاد کرده است.»

### ❤️ دنیایی که در کنار این بچه ها دارید چگونه است؟

«من بیشتر از آنچه بخشیده ام، دریافت کرده ام. زندگی با این بچه ها نگاه مرا به اطرافم تغییر داده است. الان مدت هاست معلولیت شان را نمی بینم و این باعث شده که سعی کنم با قضاوت کمتری زندگی کنم. بخاطر احساسات و رفتارهای صادقانه و قشنگی که از آنها دریافت می کنم حال خوبی دارم.»

ذهنی باشند که آموزش دیده اند ولی هنوز شناسایی نشده اند. در واقع این موضوع هم در شکل گیری ارکستر ملی ویژه ایران نقش زیادی داشت و از آن زمان سعی کردم افراد با استعداد بیشتری را پیدا کنم.»

### ❤️ تا کجاها پیش رفته اید؟

«بعد از هماهنگی با شهرهایی که بصورت مشترک همکاری می کنیم قرار شده که هر سه ماه یکبار اردوهای یک هفته ای برگزار کنیم تا اعضای گروه که جدا از هم تمرین کرده اند بتوانند در کنار هم کار کنند. بر این اساس قرار است اولین میزبانی با لطف و عنایت مدیر کل بهزیستی استان گلستان؛ آقای دکتر غفاری و همراهی معاون توانبخشی بهزیستی استان گلستان؛ آقای سلمانی در گرگان برگزار می شود و با صحبتی که شده معاون توانبخشی بهزیستی استان خراسان رضوی هم برای اردوهای بعدی اعلام آمادگی میزبانی کرده اند و تهران و دیگر شهرستان ها هم شهرهای بعدی برای برگزاری دوره ها خواهند بود. زحمت اصلی این کار بر دوش مربیان و مدیرانی سست که با بچه ها در نقاط مختلف ایران کار می کنند؛ از جمله خانم پروین مدیر مرکز پروین در شهر نور، خانم ندا دهناد در شیراز، خانم نقوی مربی موسیقی در مشهد و موسسه همدم. به هر حال ما الان در مرحله تمرین هستیم و امیدوار هستیم بزودی آمادگی و فضای اجرا فراهم شود.»





خواهند رفت مثل همه ارکسترهای حرفه‌ای. در این مسیر موسسات و خانواده‌ها باید تشویق شوند تا فرزندان شان را به سطح مناسب برای قرار گرفتن در این گروه برسانند.

همچنین از افراد توانمند در زمینه‌ی مالی انتظار داریم چه به عنوان خیر و چه به عنوان اسپانسر گروه لگاتو را همراهی کنند چرا که این هدف جز با حمایت مالی گسترده و دقیق میسر نمی‌گردد.

جا دارد از همه‌ی عزیزانی که به هر شکلی همراه لگاتو هستند کمال تشکر را داشته باشم؛ از خانم دکتر فخری؛ کارشناس دلسوز هنری سازمان بهزیستی، از خانم آراسته که مرا با موسسه همدم آشنا کردند، از آقای سلمانی که علاوه بر سمت اداری خود (معاونت توانبخشی استان گلستان) یکی از همراهان خوب لگاتو هستند، از مریمان خوب و دلسوز موسیقی در شیراز، مشهد، گرگان و گیلان، از مدیران خوب مراکز؛ خانم دکتر حجت و آقای شیرازی نیا (مدیران محترم مرکز همدم) که فرصت همراهی را فراهم آوردند و به فرهنگ و هنر بها می‌دهند، مدیریت مرکز پروین در شهر نور که علاوه بر مدیریت، زحمت آموزش رو هم به عهده دارند و از مدیر برنامه‌های گروه لگاتو آقای فرهاد قاسمی، امیدوارم لگاتو پیوسته و همواره با همراهی تمام فرزندان کم‌توان ذهنی این سرزمین در حال نواختن باشد و پیام آوری باشد برای رسیدن به صلح و آرامش و مهربانی در سراسر جهان.»

خیلی از چیزهایی که آدم‌ها در عرفان و کلاس‌های یوگا و مراقبه جستجو می‌کنند در کنار این بچه‌ها می‌توان پیدا کرد که مهم‌ترین آنها زیستن در لحظه است. توجه همراه با مهربانی و صداقت چیزی است که این بچه‌ها بی‌دریغ می‌بخشند.»

#### ♥ در مورد مجله همدم نظری ندارید؟

«به نظرم همه چیز مجله خوب است؛ هم از نظر محتوا و هم طراحی که می‌تواند برای هر کسی جذاب باشد. فقط جای مطالب و نوشته‌های خود بچه‌ها در آن خالی است. حتی از سراسر ایران بچه‌هایی هستند که می‌توانند مطالبشان را بفرستند و برای همه خواندنی و جذاب باشد...» (بخشی در مجله همدم با عنوان «نامه‌های رسیده» وجود دارد که آماده‌ی دریافت مطالب عزیزان است)

#### ♥ آیا مطلبی هست که پیش از پایان گفت‌وگو بفرمایید؟

«بله... می‌خواهم یادآوری کنم که یکی از مهم‌ترین اهداف گروه لگاتو اشتغال زایی برای اعضای گروه است. پس از اتمام تمرینات یک ساله برنامه ریزی برای اجرای صحنه‌ای به شکل تورهای کشوری و حتی خارج از کشور در حال پیش‌بینی است و در زمان اجرا با هر کدام از نوازندگان و خوانندگان براساس توانایی هنری و درجه‌ی اهمیت در گروه قرارداد مالی بسته خواهد شد. بنابراین در حقیقت با شکل‌گیری گروه لگاتو قرارداد مستحکم حداقل ۲۰ کم‌توان ذهنی به شغلی دست یابند که شاید خیلی از افراد با بهره‌مندی از آموزش‌های نوازندگانی می‌توانند در آن فعالیت کنند، بلکه باید فرصت و بستری باشد برای همه کم‌توانان ذهنی هنرمند. افرادی خواهند آمد و افرادی